

A Comparative Study of Mosque Architecture During the Safavid Period and After the Islamic Revolution Based on the Principles of Faith and the Beliefs of the Shi'a School

1. Sepideh Sharif Khajeh Pasha : Department of Architecture, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran

2. Mehrvash Kazemi Shishavan *: Associate Professor, Department of Architecture, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran.

3. Akram Hosseini : Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

4. Asadollah Shafizadeh : Assistant Professor, Department of Architecture, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran

*Corresponding Author's Email Address: mmkk177@gmail.com

How to Cite: Sharif Khajeh Pasha, S., Kazemi Shishavan, M., Hosseini, A., & Shafizadeh, A. (2024). A Comparative Study of Mosque Architecture During the Safavid Period and After the Islamic Revolution Based on the Principles of Faith and the Beliefs of the Shi'a School. *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 2(3), 104-128.

Abstract:

The Safavid and Islamic Republic periods represent two significant phases in the evolution of Islamic architecture in Iran, as the emphasis of the Islamic government on reflecting Shi'a identity and the profound interconnection between politics, religion, and culture led mosques to serve not only as places of worship but also as spaces embodying Shi'a religious concepts and doctrinal principles. The present study aims to examine and compare the influence of the principles of faith and the beliefs of the Shi'a school on mosque architecture during the Safavid period and after the Islamic Revolution. In the first phase, through a qualitative, descriptive, and analytical research method using library and documentary sources, the Shi'a intellectual system and worldview were identified, and the theoretical foundations affecting the formation of Shi'a religious architecture were extracted and categorized. In the second phase, to empirically evaluate the theoretical findings, ten prominent Safavid mosques in Isfahan and ten significant mosques constructed after the Islamic Revolution in Tehran were purposefully selected with the consultation of experts in the field. These were comparatively analyzed through field observations, interviews, and photographic documentation. Analysis of the sample indicates that the architecture of mosques from both the Safavid and Islamic Republic periods reflects the fundamental beliefs and convictions of Shi'ism. However, in the era of the Islamic Republic, the manifestation of the principles of faith—particularly the concepts of tawhīd (divine unity), ma'ād (resurrection), 'adl (justice), and imāmah (leadership)—appears deeper and more pronounced, whereas during the Safavid period, the principle of nubuwwah (prophethood) was more prominently expressed. Regarding Shi'a beliefs, faith in the 'ālam al-mithāl (imaginal world) and the Tūbā tree is more vividly represented in the architecture of Safavid mosques compared to those built after the Revolution, while the belief in luminous creation (khalq nūrī) appears with nearly equal intensity in both periods. Ultimately, it can be concluded that Shi'a mosque architecture during the Islamic Republic period is primarily shaped by an emphasis on the principles of faith, whereas in the Safavid period it was more deeply influenced by Shi'a doctrinal beliefs.

Keywords: Mosque, Shi'a school, Shi'a belief, principles of faith, Safavid period, post-Islamic Revolution period

Received: 04 April 2024

Revised: 09 November 2024

Accepted: 16 November 2024

Published: 20 December 2024



Copyright: © 2024 by the authors. Published under the terms and conditions of Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقایسه تطبیقی معماری مساجد دوره صفویه و پس از انقلاب اسلامی بر اساس اصول دین و باورهای مکتب تشیع

۱. سپیده شریف خواجه پاشا^{ID}: گروه معماری، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

۲. مهروش کاظمی شیشوان^{ID}: دانشیار، گروه معماری، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. اکرم حسینی^{ID}: استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۳. اسداله شفیع زاده^{ID}: استادیار، گروه معماری، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: mmkk177@gmail.com

نحوه استناددهی: شریف خواجه پاشا، سپیده، کاظمی شیشوان، مهروش، حسینی، اکرم، و شفیع زاده، اسداله. (۱۴۰۳). مقایسه تطبیقی معماری مساجد دوره صفویه و پس از انقلاب اسلامی بر اساس اصول دین و باورهای مکتب تشیع. تجلی هنر در معماری و شهرسازی، ۲(۳)، ۱۲۸-۱۰۴.

چکیده

دوره‌های صفویه و جمهوری اسلامی از مقاطع مهم در معماری اسلامی ایران محسوب می‌شوند چرا که تأکید حکومت اسلامی بر بازنمایی هویت شیعی و پیوند عمیق میان سیاست، دین و فرهنگ سبب گردید که مساجد نه تنها مکانی برای عبادت، بلکه به‌عنوان عرصه‌ای برای نمود مفاهیم و اصول اعتقادی شیعی مورد توجه قرار گیرند. پژوهش حاضر درصدد بررسی و مقایسه تأثیر اصول دین و باورهای مکتب تشیع در معماری مساجد دوره صفویه و پس از انقلاب اسلامی است. در گام اول به واسطه روش تحقیق کیفی و به صورت توصیفی و تحلیلی، و با جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی، نظام فکری و جهانبینی تشیع، شناسایی و مبانی نظری موثر بر شکل‌گیری معماری مذهبی شیعی استخراج و دسته‌بندی گردید. در گام دوم برای سنجش عینی یافته‌های نظری ۱۰ مسجد شاخص صفوی از شهر اصفهان و ۱۰ مسجد شاخص ساخته شده پس از انقلاب اسلامی از شهر تهران با نظر متخصصان و خبرگان در این حوزه، به کمک نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و از طریق برداشت میدانی، مصاحبه و مستندسازی تصویری مورد واکاوی تطبیقی قرار گرفتند. تحلیل جامعه نمونه نشان می‌دهد معماری مساجد عصر صفویه و پس از انقلاب اسلامی بازتاب دهنده اعتقاد و باورهای بنیادین شیعی هستند اما در دوره جمهوری اسلامی، نمود اصول دین با تأکید بر مفاهیم توحید، معاد، عدالت و امامت بیشتر و عمیق‌تر و در دوره صفوی، نمود نبوت برجسته‌تر بوده است در مورد باورهای شیعی نیز، باور به «عالم مثال» و «درخت طوبی» در معماری مساجد دوره صفوی نسبت به مساجد دوره پس از انقلاب اسلامی تجلی برجسته‌تری دارد و نمود باور به «خلقت نوری»، در هر دو دوره تقریباً به میزان مساوی مشاهده می‌شود و در نهایت، معماری مساجد شیعی در دوره جمهوری اسلامی با تأکید بر اصول دین و در دوره صفوی با تأکید بر باورها ساخته شده است.

کلیدواژگان: مسجد، مکتب تشیع، باور شیعی، اصول دین، دوره صفوی، دوره پس از انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۶ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۹ آبان ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۶ آبان ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۳۰ آذر ۱۴۰۳



مقدمه

ایرانیان در طول تاریخ خود، معماری را با مذهب و اعتقاد خویش قرین ساخته‌اند (1). مسجد، مهمترین تجلی گاه ویژگی‌های مذهبی (2) و مهمترین تجلی گاه هنرمذهب شیعی است (3). مساجد، فراتر از نقش عبادی، همواره بازتاب دهنده هویت، باورها و ارزش‌های حاکم بر جامعه بوده‌اند. معمار شیعی با توجه به اعتقادات و باورهای قلبی خود تلاش می‌کند فضایی را ایجاد کند که در ذهن خود آن را بارور ساخته است. وی با توجه به شناختی که از دنیای بیرون و درون خود دارد بنایی را می‌آفریند که بتواند در وجود مسلمان شیعی راه یابد و او را به تفکر و تعقل در محیط پیرامونش وادار نماید (1).

دوره حکومت صفویه در ایران، یکی از مقاطع مهم، در معماری اسلامی محسوب می‌شود. در این دوره با رسمیت یافتن مذهب تشیع مسجد سازی رونق گرفت. با توجه به دوره طولانی مرکزیت اصفهان در حکومت صفوی بخش عمده‌ای از مساجد این دوره در شهر اصفهان قرار دارند (4). در زمان صفویه مساجد نماد قدرت سیاسی، پایگاه تبلیغاتی و مرکز آموزشی و نمایش اقتدار دینی و فرهنگی بود و همینطور محل برگزاری نماز جماعت، خطبه‌های مذهبی و مراسم دینی و صفویان برای آموزش اصول تشیع و تبلیغ مذهب، مساجد را به طور گسترده می‌ساختند و یا بازسازی می‌کردند. رواج و گسترش اندیشه‌های شیعی در عصر صفوی در چهار چوب مکتب اصفهان، سر آغاز نوآوری‌های معماری شد (5) و تجلی عناصر شیعی از ویژگی‌های معماری این عصر به شمار می‌رود (6). در دوره جمهوری اسلامی همچنین تداوم اندیشه‌های شیعی و تأکید بر آموزه‌های ایدئولوژیک مکتب تشیع، سبب گردید تا مساجد بار دیگر جایگاه محوری خود را به‌عنوان نماد هویت دینی، فرهنگی و سیاسی جامعه بازیابند (7). در این دوره، معماری مساجد نه تنها به‌عنوان مکانی برای عبادت، بلکه به‌عنوان عرصه‌ای برای بازنمایی مفاهیم و اصول اعتقادی شیعه مورد توجه قرار گرفتند.

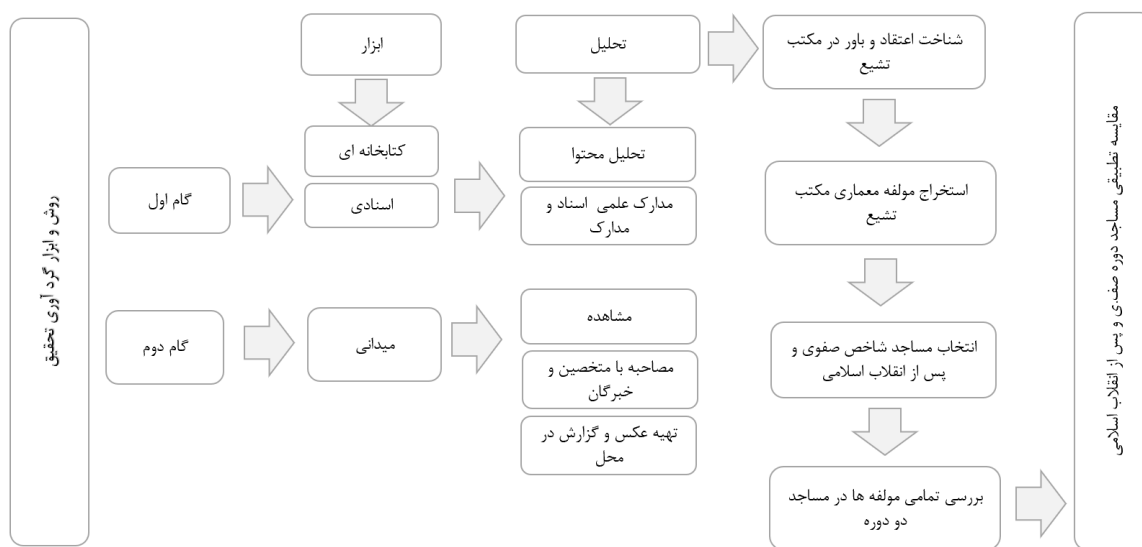
شهر تهران، به دلیل جایگاه سیاسی و مذهبی خود به‌عنوان پایتخت جمهوری اسلامی ایران، پس از انقلاب اسلامی نیز کانون اصلی ساخت و گسترش مساجد و مراکز مذهبی باشکوه شد. این مرکزیت سیاسی و دینی موجب گردید که فرآیند مسجد سازی در این شهر با گستره و شکوهی چشمگیر دنبال شود و بناهای مذهبی تازه‌ساخته، به‌منزله نماد قدرت و اقتدار دینی حکومت اسلامی تلقی گردند. افزون بر آن، تراکم جمعیتی بالا و نیاز به فضاهای مذهبی گسترده‌تر، ضرورت احداث مساجد بزرگ و مجهز را دوجندان ساخت. این امر موجب شد معماری مسجد در جمهوری اسلامی، علاوه بر کارکرد عبادی، واجد بُعدی نمادین و بیانی شود که هویت فرهنگی و مذهبی جامعه را بازنمایی کند.

انتخاب دو دوره صفوی و جمهوری اسلامی برای مقایسه در این پژوهش، از آن‌رو حائز اهمیت است که در هر دو دوره، ساختار سیاسی و فرهنگی جامعه بر مبنای تشیع استوار است. در این دو برهه، باورها و اعتقادات شیعی خواه به‌صورت صریح و آشکار و خواه به‌صورت نمادین و استعاری در کالبد، ساختار فضایی، و تزیینات معماری مساجد حضور یافته‌اند. از این رو هدف این پژوهش آن است که چگونگی بروز و تجلی این اعتقاد و باورها را در معماری مساجد بررسی کرده و نشان دهد که در کدام یک از این دو دوره، مفاهیم و اصول مکتب تشیع نمود بیشتر و تأثیرگذارتری در شکل‌دهی به فرم، فضا و معنا داشته‌اند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و ماهیتی توصیفی – تحلیلی به بررسی تجلی مبانی اعتقادی مکتب تشیع در معماری مساجد دوره صفویه و جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. در گام اول با جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی شامل متون تاریخی و پژوهش‌های علمی مرتبط با موضوع تحقیق، نظام فکری و جهانبینی

شیعی شناسایی و مبانی نظری موثر بر شکل گیری معماری مذهبی شیعی استخراج و دسته بندی گردید. در گام دوم برای سنجش عینی یافته های نظری ۱۰ مسجد شاخص صفوی از شهر اصفهان و ۱۰ مسجد شاخص ساخته شده پس از انقلاب اسلامی از شهر تهران با نظر متخصصان و خبرگان در این حوزه، به کمک نمونه گیری هدفمند انتخاب و از طریق مشاهده مستقیم، برداشت میدانی، مصاحبه و مستند سازی تصویری مورد واکاوی قرار گرفتند. داده های حاصل، بر اساس روش تحلیل تطبیقی، با مولفه های نظری مرحله نخست تطبیق داده شد تا میزان نمود اصول اعتقادی و باورهای شیعی در ساختار و تزیینات معماری مساجد در دو دوره تاریخی مشخص گردد.



شکل ۱. روش و ابزار گردآوری اطلاعات

پیشینه تحقیق

رستمی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان «پژوهشی در تبلور و شکوفایی مضامین و مبانی هنر شیعی در معماری دوران تیموری و صفوی (نمونه موردی: مسجد گوهرشاد و مسجد شیخ لطف الله» نشان می دهند، به کارگیری اندیشه ها و فرامین معنوی هنر شیعی با تمرکز بر سه باور این مذهب یعنی عدل، عصمت و اعداد مقدس و براساس سه عنصر پیام رسانی ازجمله: رنگ، نور و نقش به استناد آیات قرآنی در آثار دوران تیموریان و صفویان، چگونه بوده و تأثیر پذیری و پیشرفت این مضامین در کدام دوره بیشتر بوده است (8).

در بستر اعتقادات شیعی، پژوهش هایی پیرامون اصول دین اهمیت ویژه ای دارند برای نمونه اکبرزاده و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله ای با عنوان بهره گیری از غنای حسی در تداعی مفهوم توحید در مساجد ایران نشان می دهند که آرایه ها و کتیبه ها و عناصری مانند گنبد و مناره در آثار معماری ایرانی به عنوان ابزارهای تداعی کننده مفهوم «توحید» عمل می کنند. این مطالعات بر پیوند میان صورت ظاهری عناصر معماری و معانی توحیدی تأکید دارند و چارچوبی نظری برای فهم چگونگی ترجمه اصول اعتقادی به زبان کالبد فراهم ساخته اند (9). در رابطه با «امامت» و نمادهای آن در تاریخ معماری شیعی و سیاست مذهبی نیز پژوهش های تاریخی - تحلیلی قابل توجهی وجود دارد. نجفی نژاد و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان بروز و ظهور باورهای شیعی در سیاست مذهبی شاه طهماسب اول صفوی،

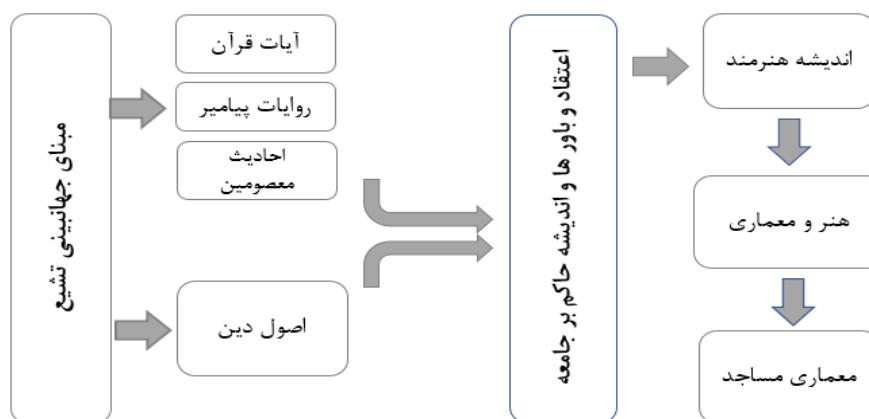
نشان داده‌اند که رویکرد سیاسی-مذهبی حکمرانان صفوی به امامت، تأثیر مستقیمی بر بازنمایی نمادهای امامت در متون و عملکردهای رسمی داشته است که این امر خود سبب تأثیر پذیری معماران و هنرمندان آن زمان از اندیشه و سیاست حاکم بر جامعه بوده و نمود آن اندیشه‌ها را می‌توان در معماری آن دوره مشاهده کرد (10). همچنین علی‌پور و پورمند (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان تبیین مفاهیم «امامت» و «ولایت» در کتیبه‌های مذهبی ادوار مختلف «بررسی موردی دوره تیموری و صفوی» اشاره کرده‌اند که مفاهیم امامت و ولایت پس از رسمیت یافتن تشیع در دوره صفوی در متون و کتیبه‌ها آشکارا نمود یافته‌اند (11) و طبسی و امامی (۱۳۹۵) نیز در بررسی نقوش مسجد گوهرشاد و مسجد امام اصفهان، نشان داده‌اند که «عدل» و «امامت» دو مفهوم پایدار در نقوش تزئینی‌اند که ضمن زیبایی‌شناسی، حامل معانی اعتقادی‌اند. این مجموعه مطالعات نشان می‌دهد که امامت نه تنها یک مفهوم کلامی-سیاسی است بلکه در لایه‌های تزئینی و کالبدی نیز بازتاب یافته است (12).

و همچنین در بستر باورهای شیعی نیز، پژوهش‌هایی پیرامون «عالم مثال»، «خلقت نوری» و «درخت طوبی» اهمیت ویژه‌ای دارند. پرویزی و پورمند (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان تجلی عالم مثال در تزئینات معماری عصر صفوی (نمونه موردی مسجد امام اصفهان) به تجلی عالم مثال در تزئینات معماری عصر صفوی (نمونه مسجد امام اصفهان) پرداخته و نشان داده‌اند که مفهوم عالم مثال و نزدیکی آن به باورهای ماورایی تشیع، در تزئینات و نمادپردازی آن دوره نمود یافته است (13). همچنین توران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل سند و محتوای دو حدیث رضوی درباره خلقت نوری در تحلیل متون حدیثی، مستندات درباره روایت‌های خلقت نوری اهل بیت ارائه داده و اهمیت این مفهوم در منابع روایی تشیع را برجسته کرده است (14).

صفایی پور و همکاران در مقاله‌ای با عنوان بررسی تأثیر مفهوم درخت طوبی در شکل‌گیری گنبدهای شاخص صفوی به ارتباط مفهوم طوبی و گنبدهای شاخص شیعیان در عصر صفوی می‌پردازد و تحلیل گنبدهای شاخص صفوی، نقش درخت طوبی را در شکل‌گیری نمادشناسی گنبد و نقوش گیاهی نشان داده‌اند و آن را نمادی از تداوم ولایت و پیوند میان پیامبر، علی و امامان دانسته‌اند (15، 16) و هانری استرلین در کتاب اصفهان تصویر بهشت، با اشاره به گنبدهای شاخص مسجد جامع عباسی و مدرسه سلطانی اصفهان آن دو را نمادی از درخت طوبی معرفی می‌کند که در خط آسمان باغ شهر صفوی به نمایش در آمده‌اند (17).

جهان بینی شیعه اثنی عشری

اصول و مبنای اعتقادی و سیاسی مذهب شیعه بر آیات قرآن و روایات پیامبر (ص) استوار است. بیان این مهم از آن رو اهمیت دارد که اولاً ثابت می‌کند شیعه مولود طبیعی اسلام است و معتقداتش ریشه در نصوص قرآنی و روایات دارد و ثانیاً نشان می‌دهد ظهور این مذهب دست کم از جنبه اعتقادی؛ به عصر نبوت باز می‌گردد نه به رویدادها و تحولات تاریخی پس از رحلت پیامبر (حیدری آقایی و همکاران، ۱۳۸۴) به طور کلی اصول دین «توحید»، «معاد»، «نبوت»، «امامت»، «عدالت» و همین‌طور برخی از باورهای شیعی چون «عالم مثال»، «خلقت نوری» و «درخت طوبی» از جمله اصطلاحات شیعی است که در این پژوهش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.



شکل ۲. چگونگی تاثیر جهانی تشیع بر معماری مساجد

اصول دین در تشیع

اصول مذهب شیعه، به اصل‌های پنجگانه‌ای توحید، نبوت، معاد، امامت و عدل گفته می‌شود که پایه و اساس مذهب شیعه را تشکیل می‌دهند (18). اعتقاد داشتن به همه این اصول، باعث می‌شود فرد شیعه محسوب شود و اعتقاد نداشتن به هر کدام از آنها، او را از مذهب تشیع خارج می‌کند. البته سه اصل توحید، نبوت و معاد از اصول دین هستند که باور نداشتن به هر کدام از آنها موجب کُفر و خروج از دین اسلام نیز می‌گردد. این اصول، چارچوبی روشن برای زندگی فردی، اجتماعی و فرهنگی مسلمانان فراهم می‌کنند و به آن‌ها جهت‌دهی ارزشی و هویتی می‌بخشند (5).

توحید

توحید، به معنای یکتا دانستن خدا، اصلی‌ترین آموزه اعتقادی در اسلام است به اعتقاد مسلمانان، خداوند یگانه خالق جهان است و شریک ندارد (استادی، ۱۳۸۵). توحید در احادیث نقل شده از پیامبر اسلام و امامان شیعه از جمله امام علی و امام صادق (ع)، به معنای شهادت دادن به مضمون «لا اله الا الله وحده لا شریک له» و مشابه آن به کار رفته است (19). اصل توحید اولین اصل از اصول دین اسلام است و زیربنای سایر اعتقادات مسلمین است.

معاد

به باور عالمان شیعه، معاد پس از اصل توحید، مهم‌ترین اصلی است که پیامبران الهی، مردم را به ایمان به آن فراخوانده‌اند (ابن سینا، ۱۴۰۴ ق). ایمان به معاد و زندگی اخروی شرط مسلمانی و منکر آن، خارج از زمره مسلمانان شمرده شده است (20). معاد واژه عربی برگرفته از «عود» است و به معنای «بازگشتن»، «رستاخیز» یا «دوباره برخاستن» (پس از مرگ) است. باور به رستاخیز (معاد) در اصطلاح متکلمان به معنای بازگشت روح به جسم پس از مرگ و زندگی دوباره انسان در روز قیامت است. بنابراین اصل، همه انسان‌ها در روز قیامت دوباره زنده می‌شوند، اعمال آنها در پیشگاه الهی سنجیده می‌گردد و به کیفر یا پاداش درستکاری یا بدکاری خود می‌رسند.

نبوت

سومین اصل از اصول دین اسلام، نبوت است. اصلی که بر شخص نبی استوار است و ایمان به او، در ادامه ایمان به یگانگی خداوند و اصل معاد آمده و دینداری مسلمین را تکمیل می‌کند. پروردگار یکتا در یک جهان بینی شکوهمند و گسترده، برای به کمال رسانیدن انسان، پیرو معرفت به توحید و معاد، پیام آورانی

را برای شکوفا کردن بنیه عقلی، علمی و عملی آنها ارسال کرده تا او را به مرتبه کمال انسانیت و بندگی رسانده و سزاوار سعادت ابدی گردانند. بر اساس آیات قرآن کریم، نبوت یا همان پیامبری، گزینشی الهی است که طی آن، خداوند متعال، معارف و حقایق الهی را بر بنده برگزیده‌اش به وسیله وحی نازل می‌کند تا از این طریق، اعمال، اخلاق و رفتار بندگان را در مسیر رسیدن به کمال و سعادت، رهبری و هدایت نماید (21).

عدل

اصول دین اسلام سه چیز و اصول مذهب شیعه همان سه چیز است به علاوه اصل عدل و اصل امامت (22). عدل به معنای جامع آن، می‌تواند همه اصول عقاید دین را توجیه‌کند و پشتوانه هر چهار اصل دیگر گردد گرچه طبق اعتقاد متداول شیعه، عدل صرفاً یکی از آن‌هاست و بقیه را توحید، نبوت، امامت و معاد دانسته‌اند، اما در حقیقت هر چهار اصل دیگر هم در معرفت‌شناسی و هم در جهان‌شناسی قابل اتکا به عدل می‌باشد (23). از این رو جهان بینی مسلمانان شیعی بر عدل بنا شده و این نظام، تمام هستی را در بر می‌گیرد (12). در مبانی فکری شیعی نیز عدالت به عنوان یکی از اصول دینی و مذهبی مطرح و فرهنگ تاریخی و اعتقادی شیعه همواره آن را جزء جدایی ناپذیر ایمان قلمداد کرده است.

امامت

در مکتب تشیع امامت اصلی ترین جریان فکری اسلام است. مطابق احادیث اثنا عشر، پیامبر (ص) از سوی خداوند مأموریت یافته است دوازده نفر از اهل بیت خود را به عنوان جانشینان خویش برگزیند و نام یکایک آنان را برای مردم بازگو کند و پیامبر اکرم (ص) در طول دوران رسالت خویش، همواره بر مسئله امامت و خلافت پس از خود، تأکید داشتند و از هر فرصتی استفاده می‌کردند و با تعبیر گوناگون، جانشینان خود را معرفی می‌کردند (24). بنا به دیدگاه شیعه، امام علی (ع) جانشین بلافصل پیامبر اکرم (ص) و امام پس از وی است (25) برای اثبات آن به آیاتی از قرآن مانند آیه تبلیغ، آیه ولایت، آیه مودت، آیه اولی الامر، آیه اکمال دین، آیه تطهیر و آیه صادقین استدلال کرده‌اند (26).

باورهای شیعی

باور در تشیع پیوندی عمیق با مفاهیم فلسفی و عرفانی دارد. در این مکتب باور فقط رابطه ذهنی با خدا نیست، بلکه حرکت از ظاهر به باطن، از کثرت به وحدت و از ماده به معنا است. در مکتب تشیع باورها نه در اندیشه‌ها بلکه در هنر و معماری و فرهنگ تبلور می‌یابد. چون هر عنصر مادی می‌کوشد معنایی باطنی را آشکار کند.

باور به عالم مثال

عالم مثال، قرابت نزدیکی با عالم برزخ از دیدگاه مذهب شیعه دارد (13). با وجود سابقه مفهوم عالم مثال در اندیشه‌های اسلامی، این مفهوم در جامعه شیعی صفوی، به علت وجود نظام منسجم و یکپارچه علمی، حکمی و فلسفی حاصل از مکتب اصفهان، جاگاهی خاص داشت (نصر، ۱۳۶۵). این عالم واسطه‌ایست بین عالم ماده و عوالم مجرد از ماده و به همین دلیل نقش یک حلقه اتصال را بازی می‌کند که از خصوصیات عوالم فوقانی و تحتانی بهره‌مند است و به همین دلیل عالم عجائب خوانده می‌شود (27).

باور به خلقت نوری

خلقت نوری پیامبر و اهل بیت (ع) یعنی خلقت ایشان از نور و همچون نور، از مضامینی محسوب می‌شود که در روایات فراوانی بیان شده است. جمع کثیری از علمای امامیه به ویژه در عصر اخیر با اذعان به صحت این روایات، خلقت نوری را همچون یک آموزه معتبر پذیرفته‌اند (14). برخی روایات حاکی از ترتیب خلقت انوار اهل البیت (ع) هستند، به نحوی که این انوار یکی پس از دیگری یا یکی از دیگری خلق شده‌اند. در روایتی آمده است که محمد (ص) و علی (ع) از نور واحد خلق شدند و امامان از انوار محمد (ص) و علی (ع) (28). روایتی دیگر از پیامبر (ص) نقل می‌کند که خداوند قبل از آفرینش آسمان و زمین و فرشتگان، مرا از برگزیده نور خود (صفوة نوره) آفرید و از نور من، علی (ع) را و از نور علی (ع)، فاطمه (ع) را آفرید و از من و علی (ع) و فاطمه (ع)، حسن (ع) و حسین (ع) را آفرید و سپس از ما و از نور حسین (ع)، نه امام را آفرید (29).

امروزه همچنان باور به خلقت نوری در میان شیعیان وجود دارد و بخش مهمی از سنت‌های دینی و اندیشه‌های مذهبی را تشکیل می‌دهد، اگرچه میزان نمود آن در جامعه و معماری متفاوت از دوره صفویه است. باور به انوار پیامبر و اهل بیت (ع) به عنوان سرچشمه نور الهی در متون شیعی معاصر (کتب حدیث، تفسیر و عرفان شیعی) حفظ شده است. این اعتقاد، همچنان جزئی از آموزه‌های اصلی تشیع است (30).

جدول ۱. روایات مربوط به خلقت نوری

ردیف	روایات و زیارت
۱	عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص وَهُوَ يَقُولُ: «أَنَا خُلِقْتُ وَ عَلِيٌّ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ نُسِجَ اللَّهُ يَمْنَةً الْعَرْشِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ آدَمَ بِالْقِيَامِ ابُوذَرٍّ كَوَيْدٍ مِنْ بَابِ (ص) شَنَدِمُ كَهْ فَرَمُود: مِنْ وَ عَلِيٍّ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ أَفْرِيدَ شَدَهْ اِيْم. مَا دَرِ جَانِبِ رَاسْتِ عَرْشِ، خُدا رَا تَسْبِيحَ مِي كَفْتِمُ دُو هَزَارِ سَالِ پِيْشِ اَزْ اَنَكِهْ اَدَمَ (ع) خَلَقَ شُود (31)
۲	عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي فَفَتَقَ مِنْهُ نُورَ عَلِيٍّ ثُمَّ خَلَقَ الْعَرْشَ وَاللُّوحَ وَالشَّمْسَ اَزْ جَابِرِ نَقْلِ شَدَهْ كَهْ رَسُوْلِ خُدا (ص) فَرَمُود: نَخَسْتِ چيزِي كَهْ خُدا اَفْرِيدَ، نُورِ مِنْ بُوْد وَ نُورِ عَلِيٍّ رَا اَزْ اَن بَرَكْشُود، سَپِسِ اَفْرِيدِ عَرْشِ وَ لُوْحِ وَ خُورْشِيْدِ (32)
۳	خداوند نور فاطمه (س) را از صلب پیامبر (ص) و امامان را از نور حضرت فاطمه (س) برون آورده است (31).
۴	عَنْ الْمُفَضَّلِ قَالَ قُلْتُ لِمَوْلَانَا الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (مَا كُنْتُمْ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَالَ كُنَّا أَنْوَارًا نُسِجَ اللَّهُ تَعَالَى وَتَقَدَّسُهُ حَتَّى خَلَقَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ سَبِّحُوا فَقَالَتْ أَيْ رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا فَقَالَ لَنَا سَبِّحُوا فَسَبَّحْنَا فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ بِتَسْبِيحِنَا أَلَّا إِنَّا خَلَقْنَا أَنْوَارًا وَ خُلِقَتْ شَيْعَتُنَا مِنْ شُعَاعِ ذَلِكَ النُّورِ فَلِذَلِكَ سُمِّيَتْ شَيْعَةُ مَفْضَلِ كَفْت: بَهْ مَوْلَايِمَانِ حَضْرَتِ صَادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَرْضِ كَرْدَم: شَمَا قَبْلِ اَزْ خَلَقْتِ اَسْمَانْ هَا وَ زَمِيْنِ چَهْ بُوْدِيْد؟ فَرَمُود: مَا اِنْوَارِي بُوْدِيْمُ كَهْ تَسْبِيحَ مِي كَرْدِيْمُ وَ تَقْدِيْسَ مِي نَمُوْدِيْمُ تَا خُداوند ملائکه را آفرید و به آنها فرمود: تسبیح کنید! گفتند: خدایا ما نمی‌دانیم! آن گاه خداوند به ما (اهل بیت) فرمود: تسبیح کنید! ما تسبیح نمودیم و ملائکه از تسبیح ما (اهل بیت) تسبیح نمودند. ما نور آفریده شدیم و شیعیان ما از شعاع این نور خلق شده‌اند. و به همین جهت شیعه نام گرفته‌اند (32).
۵	أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا مُحَمَّدُ إِنِّي خَلَقْتُكَ وَ عَلِيًّا نُورًا يَعْنِي رُوحًا بَلَا بَدَنٍ قَبْلَ أَنْ أَخْلُقَ سَمَاوَاتِي وَ أَرْضِي وَ عَرْشِي وَ بَحْرِي فَلَمْ تَزَلْ تُهَلِّلُنِي وَ تُمَجِّدُنِي ثُمَّ جَمَعْتُ رُوحَيْكُمَا فَجَعَلْتُهُمَا وَاحِدَةً فَكَانَتْ تُمَجِّدُنِي وَ تُقَدِّسُنِي وَ تُهَلِّلُنِي ثُمَّ قَسَمْتُهَا ثَلَاثِينَ وَ قَسَمْتُ الثَّلَاثِينَ ثَلَاثِينَ فَصَارَتْ أَرْبَعَةً مُحَمَّدٌ وَاحِدٌ وَ عَلِيٌّ وَاحِدٌ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَلَاثَانِ ثُمَّ خَلَقَ اللَّهُ فَاطِمَةَ مِنْ نُورِ ابْتِدَآهَا رُوحًا بَلَا بَدَنٍ ثُمَّ مَسَحْنَا بِيَمِينِهِ فَاَفْضَى نُورَهُ فِينَا.
	امام صادق (علیه السلام) فرمود: خدای تبارک و تعالی فرماید: ای محمد! من تو را و علی را به صورت نوری یعنی روحی بدون پیکر آفریدم، پیش از آن که آسمان و زمین و عرش و دریایم را بیافرینم، پس تو همواره یکتائی و تمجید مرا می‌گفتی، سپس دو روح شما را گرد آوردم و یکی ساختم، و آن یک روح مرا تمجید و تقدیس و تهلل می‌گفت. آنگاه آن را به دو قسمت تقسیم کردم و باز هر یک از آن دو قسمت را به دو قسمت نمودم تا چهار روح شد، محمد یکی، علی یکی، حسن و حسین دو تا، سپس خدا فاطمه را از نوری که در ابتدا روحی بدون پیکر بود آفرید، آنگاه با دست خود ما را مسح کرد و نورش را به ما رسانید (33).
۶	عَنْ سُلَيْمَانَ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: «كُنْتُ أَنَا وَ عَلِيٌّ نُورًا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ آدَمَ بِأَرْبَعَةِ عَشَرَ أَلْفَ عَامٍ، فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ قَسَمَ ذَلِكَ النُّورَ جُزْءَيْنِ رَكِبَا فِي آدَمَ فَجُزَّءٌ أَنَا وَ جُزَّءٌ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.
	سلمان گوید از پیامبر (ص) شنیدم که فرمود: من و علی (ع) چهارده هزار سال قبل از آنکه خداوند آدم (ع) را بیافریند، در پیشگاه الهی به صورت نوری بودیم. هنگامی که خداوند آدم (ع) را خلق کرد، آن نور را به دو جزء تقسیم کرد و در صلب آدم قرار داد. یک جزء آن من بودم و جزء دیگر علی (ع) (29).

باور به درخت طوبی

در باورهای شیعی، درخت طوبی یکی از نمادهای بهشتی و جلوه‌های رحمت الهی است. بر اساس روایات اسلامی این درخت در بهشت ریشه دارد و شاخه هایش بر سراسر عالم گسترده شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: طوبی شجره‌ای است در بهشت که اصلش در خانه پیامبر (ص) و شاخه هایش بر سر اهل ایمان گسترده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق). و در جایی دیگر می‌سفرماید، طوبی درختی از جنت عدن است که خداوند آن را با دست خویش کاشته است. مرور منابع شیعی نشان می‌دهد درخت طوبی و همچنین عبارات قرین آن در قرآن (شجره الطیبه و سدره المتهی) معرف درخت سلسله ولایت است که از وجود پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) آغاز شده و تا امام دوازدهم (عج) ادامه می‌یابد (34).

نمود اصول دین در معماری مساجد

نمود سه اصل توحید و نبوت و امامت در مساجد شیعی

در جهان‌بینی شیعی، «توحید» بنیادی‌ترین اصل اعتقادی است، محور همه اندیشه‌ها، رفتارها و حتی نموده‌های هنری و معماری. توحید در معماری مساجد شیعی، تنها در سطح تزئینات یا نمادها باقی نمی‌ماند، بلکه در کلیت سازمان فضایی، هماهنگی اجزا، و حرکت دعوت‌کننده بنا از کثرت به وحدت تجلی می‌یابد (30، 35).

مناره و سردر در مسجد شیعی، صرفاً عناصر ورودی یا نشانه‌های شهری نیستند، بلکه نقش معنوی «دعوت به حضور الهی» دارند. مناره با جهت‌گیری عمودی خود، نگاه انسان را از زمین به آسمان می‌برد، حرکتی از عالم ماده به عالم معنا، که بیانگر مسیر انسان موحّد است (35). اذان که از مناره طنین می‌افکند، در واقع دعوتی است به وحدت؛ یادآوری اینکه همه موجودات به سوی خالق واحد فراخوانده می‌شوند. سردر مسجد نیز همچون آستانه‌ای میان جهان بیرون و درون، انسان را از پراکندگی دنیوی به فضای قدسی وحدت هدایت می‌کند. در معماری شیعی، معمولاً سردر با قوس‌های تودرتو و مقرنس‌کاری‌های منظم تزئین می‌شود تا گذار از کثرت به وحدت را در قالبی بصری القا کند. گنبد در معماری مساجد شیعی، برترین نماد توحید و وحدت وجود است. گنبد چشم و دل را به بالا هدایت می‌کند و یاد آور تعالی است. مرکز گنبد نماد وحدت (36) و شکل کروی و بی‌انتهای گنبد، بازتاب آسمان و عالم وحدت است که بر فراز فضای نمازخانه، یعنی جایگاه حضور مؤمن در برابر خدا، قرار می‌گیرد (30).

کتیبه‌ها بیشترین نقش را در جهت نمایش اصول دین (توحید، نبوت و امامت) در تزئینات مسجد ایفا می‌کنند و معمار شیعی با کتیبه‌های برافراشته در بنا مخاطب را با اعتقادات و ایمان قلبی خود آشنا می‌سازد و او را برای حضور در مکانی با تار و پود شیعی آماده می‌کند. کتیبه‌هایی که مضمونی بر پایه ذکر، احادیث و روایات دارند محکم‌ترین اسناد برای هنر هنرمندان شیعه هستند که جایگاه ویژه‌ای در بین کتیبه‌های مذهبی داشته و در راستای انتقال مفاهیم شیعی نقش به سزایی دارند (37).

کاربرد ذکر شهادتین طبق اعتقاد تشیع مانند کلمه شهادتین «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله»، غالباً در مساجد شیعی دیده می‌شود که دربرگیرنده‌ی دو اصل اساسی اعتقادات مسلمانان که اصطلاحاً توحید و نبوت نامیده می‌شوند، می‌باشد. استفاده از اسماء پیامبر و ائمه (علیهم السلام) و استفاده فراوان از ذکر صلوات طبق اعتقاد تشیع یعنی: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» خداوند درود فرست بر محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و خاندان محمد. این دعا یکی از معروف‌ترین

دعاها در میان مسلمانان شیعه است که در هر موقعیت و زمانی قرائت می‌شود. در برخی مساجد به جمله دیگری برمی‌خوریم که به دو جمله شهادتین اضافه شده است و آن کلمه‌ی «علیاً ولی الله» (علی دوست و یار خداوند است) می‌باشد و یا هنرمندان مسلمان با نوشتن و نگاشتن دعا خطاب به حضرت علی (علیه السلام) بر زمینه و اشیاء مختلف، احترام و اعتقاد قلبی خود را نسبت به آن حضرت اعلام می‌داشتند. متوسل شدن به حضرت علی (علیه السلام) در مصائب و سختی‌ها یکی از شکل‌ها و جلوه‌های دلبستگی به اهل بیت در میان مردم زمان است که آن‌ها علی را تنها یاور خود در مقابل مشکلاتشان می‌یابند. که به امامت از اصول شیعه اشاره دارد (38, 39).

«الله، محمد، علی» ترتیب این نام‌های مبارک در خیلی از مساجد و اماکن مقدس شیعیان دیده می‌شود. نکته‌ی دیگر اینکه در همه‌ی این موارد، هنرمند سعی کرده است که ترتیب آوردن نام‌های «الله، محمد، علی» را حفظ کند و هرگز سعی نکرده است که نام محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) قبل از الله و نام علی (علیه السلام) را قبل از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) منعکس کند (39).

نمود معاد در مساجد شیعی

در اندیشه شیعی معاد به معنای بازگشت به حیات پس از مرگ است. بازگشتی از نیستی به هستی، از فنا به بقا. این مفهوم والا در معماری مساجد شیعی در طبیعت زنده درون حیاط‌ها نیز بازتاب یافته است. حیاط مسجد که اغلب با حوض آب، باغچه و درختان همراه است، تجلی عینی حیات دوباره و یادآور بهشت موعود در باورهای شیعی است. این معنا ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد، چنان که خداوند در آیه ۵ سوره حج میفرماید:

«وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» و از نشانه‌های دیگر قدرت ما اینکه زمین را (در زمستان) خشک و افسرده می‌بینی، پس چون آب (باران) را بر آن نازل می‌کنیم، می‌جنبد و برمی‌آید و از هر نوع گیاه تر و تازه و بهجت انگیزی می‌رویاند. (قرآن کریم). در حقیقت، حیاط مسجد در معماری شیعی، تصویری زمینی از بهشت و یادآور وعده‌ی معاد است؛ جایی که هر برگ و هر قطره‌ی آب، نشانه‌ای از استمرار حیات و تجدید وجود انسان در عالم دیگر است.

نمود عدل در مساجد شیعی

در اندیشه شیعی، «عدل» به معنای برقراری تعادل، هماهنگی و قرار گرفتن هر چیز در جای شایسته خود است. (نصر، ۱۳۸۷) معماران شیعی با الهام از این اصل اعتقادی، تلاش کرده‌اند مفهوم عدالت الهی را از ساحت عقیده به عرصه فضا و فرم منتقل کنند و این عدالت را در معماری مسجد، به صورت تناسب و توازن در دوبعد مادی و معنوی مطرح نمایند (40, 41) و از مولفه‌های چون تقارن، نظم، ریتم در ترکیب نما استفاده نمایند. همان‌گونه که خداوند هستی را بر محور عدل آفرید، معمار نیز فضای مسجد را بر محور تعادل سامان می‌دهد. در نگاه شیعی، تقارن یادآور توازن میان دنیا و آخرت است (بورکهارت، ۱۳۷۹). در نمای مساجد شیعی، تزئینات فراوان است اما هرگز آشفتگی در آن دیده نمی‌شود، زیرا اصل عدل در طراحی آن رعایت شده است. نقوش اسلیمی، هندسی و کتیبه‌ها با دقت و تناسب در دو سوی نما تکرار می‌شوند و ریتمی منظم و متعادل می‌سازند. رنگ‌ها نیز با هماهنگی انتخاب می‌شوند، آبی فیروزه‌ای و لاجوردی در کنار سفید و طلایی، بدون غلبه‌ی رنگی بر دیگری. این تعادل میان تزئین و سکون، بازتاب همان «میانه‌روی و اعتدال» در اندیشه‌ی عدل است.

ریتم در معماری مسجد شیعی، از تکرار آگاهانه‌ی عناصر پدید می‌آید، تکرار طاق‌نماها، قوس‌ها، ستون‌ها و کاشی‌کاری‌ها با فواصل منظم، نوعی موسیقی بصری می‌سازد که نگاه بیننده را در مسیر منظم و آرام هدایت می‌کند. این ریتم نه شتاب‌زده و نه یکنواخت است، بلکه هماهنگ و متعادل است (بورکهارت، ۱۳۷۹). درست مانند مفهوم عدل. ریتم منظم تزئینات نما، به مخاطب حس آرامش، توازن و نظم درونی می‌دهد همان حس حضور در جهانی که بر پایه عدل الهی استوار است.

نمود باورهای شیعی در معماری مساجد

نمود درخت طوبی در معماری مساجد شیعی

درخت طوبی سمبل درخت حیات است و در بهشت جای دارد و همواره الهام بخش نقوش گیاهی در تزئینات معماری بوده است (42) در گنبد مساجد، نقوش گیاهی به صورت تمثیلی از درخت زندگی و نیز تمثیلی از درختانی که در قرآن به مومنین بشارت داده شده است، بسیار دیده می‌شود. این گنبدهای فیروزه ای، که با نقوش اسلیمی تشکیل شده از شاخ و برگ در هم پیچیده پوشیده شده است؛ درختی را می‌نمایاند که با حجمی بزرگ بر گریو استوانه ای بلند شکفته شده و بر فراز خط آسمان شهر به نمایش در آمده اند و همین گنبد فیروزه‌ای پوشیده شده از شاخه‌های اسلیمی شبیه درخت انتزاعی (طوبی) است.



شبیه سازی گنبد به درخت طوبی (15)

نمود خلقت نوری در معماری مساجد شیعی

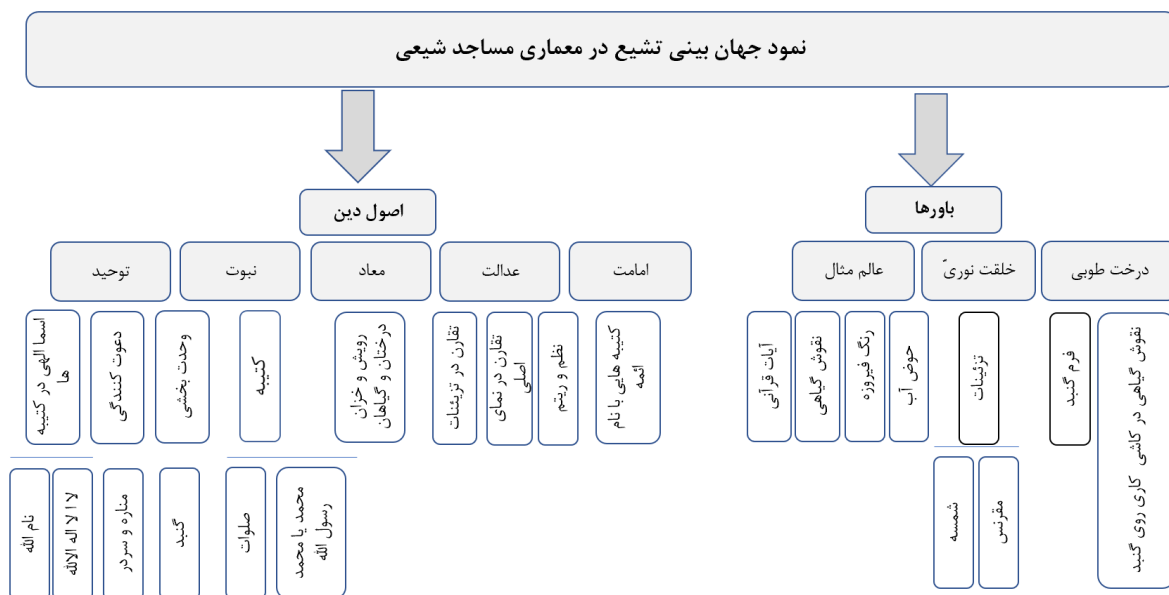
در کتاب «بحارالانوار» مجلسی آورده شده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرموده اند: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي» (نخستین چیزی که خدا بیافرید، نور من بود) (32). بر مبنای باور شیعی، نور محمدی سرچشمه همه انوار عالم است. از این رو دربرخی آثار هنر اسلامی از شمس به عنوان نماد پیامبر (ص) استفاده شده است (41) و شمس یا ستاره پنج پر اشاره به پنج تن آل عبا، پنج عضو خانواده حضرت محمد (حضرت محمد، فاطمه، علی، حسن و حسین) که مهمترین شخصیت های شیعه و مورد احترام فراوان اهل تسنن نیز هستند دارد (43). این باور اعتقادی، در معماری مساجد شیعی به شکل نمادین و بصری بازتاب یافته است. شمس‌ها با طراحی شعاعی و مرکزیت هندسی خود، مسیر نور را از مرکز به محیط اطراف هدایت می‌کنند و بدین ترتیب، تجلی نور الهی و نور امامان و پیامبران را به صورت بصری در فضا به نمایش می‌گذارند. در بخش تزئینات مسجد در بخش سردر و محراب نیز مقرنس تمثیلی از فیضان نور در عالم مخلوق خداوند است که چون چلچراغی بر سر جان نمازگزاران، نور رحمت، معنا و معنویت می‌گستراند (44). مقرنس‌ها با ساختار پله‌پله و تراشیده‌شده، نور را می‌شکنند و آن را به شکل نرم و تدریجی در فضا پخش می‌کنند. این پخش نور تدریجی، نماد مراتب تجلی نور الهی و حضوری نورانی است که از پیامبران و امامان سرچشمه

می‌گیرد. به این ترتیب، در مساجد شیعی، نور به همراه تزئیناتی چون شمشه و مقرنس، نه تنها جنبه زیبایی‌شناسی دارند، بلکه بازتاب‌دهنده باور خلقت نوری امامان و پیامبران و تجلی نور الهی در جهان هستند و هویت معنوی و اعتقادی مسجد را تقویت می‌کنند.

نمودعالم مثال در معماری مساجد شیعی

یکی از برجسته‌ترین نموده‌های عالم مثال در معماری مساجد، حوض آب در میانه‌ی صحن است. در نگرش دینی، آب مظهر طهارت، حیات و آینه‌ی تجلی حق محسوب می‌شود. انعکاس گنبد و آسمان در سطح حوض، نمادی از بازتاب حقیقت ملکوتی در جهان مادی است و نوعی تجربه‌ی عرفانی از پیوند زمین و آسمان را به مخاطب القا می‌کند (30). رنگ آبی فیروزه‌ای و لاجوردی دو رنگ سمبلیک از آسمان است. این رنگ‌ها را رنگ‌های عالم مثال دانسته‌اند (13) لاجوردی و رنگ‌های آبی عمق دارند و به عالم خیال راه دارند. این رنگ‌ها یادآور آسمان و ملکوت بوده و در کاشی‌کاری گنبدها، ایوان‌ها و محراب‌ها به کار می‌روند. آبی در هنر اسلامی، رنگ عمق، آرامش و بی‌نهایت است و بیننده را از جهان محسوس به سوی حقیقت معنوی و وحدت الهی رهنمون می‌سازد.

نقوش گیاهی و اسلیمی به صورت تمثیلی از درخت زندگی است و نیز تمثیلی از درختانی که در قرآن به مومنین بشارت داده شده است (13)؛ طرح‌های گیاهی یا اسلیمی با خطوط منحنی و پیچیده، نماد رشد، حیات و تحرک هستند. این نقوش معمولاً با گل‌ها، برگ‌ها و شاخه‌های در هم تنیده طراحی می‌شوند که مفهومی از زیبایی و رشد روحانی را منتقل می‌کنند. کاربرد این نقوش در تزئینات نشان از هدف هنرمند در تبلور عالمی مثالین دارد که در اعتقاد شیعی در کتاب مقدس قرآن تصویر شده است و آیات قرآنی که بر دیوارها، کتیبه‌ها و ایوان‌های مساجد نگاشته می‌شوند، بُعد زبانی و معنوی عالم مثال را عینیت می‌بخشند. کلام وحی در قالب خوش‌نویسی و تزئینات بصری، از ساحت لفظی به تجسم مثالی درمی‌آید و فضای مسجد را از حضور معنا و حقیقت الهی سرشار می‌سازد.



شکل ۳. نمود جهان‌بینی تشیع در معماری مساجد شیعی

شکل ارائه‌شده، ساختاری مفهومی از پیوند میان جهان‌بینی تشیع و بازتاب آن در معماری مساجد شیعی را تبیین می‌کند. این شکل در دو بخش اصلی «اصول دین» و «باورها» سامان یافته است که در مجموع، نظامی هماهنگ از اندیشه، معنا و فرم در معماری شیعی را به نمایش می‌گذارد.

در بخش «اصول دین»، هر یک از ارکان توحید، نبوت، معاد، عدالت و امامت، نه صرفاً مفاهیم انتزاعی، بلکه بنیان‌های معرفتی‌ای هستند که در سازمان فضایی، هندسه، و تزئینات معماری انعکاس یافته‌اند. در بخش «باورها»، مفاهیمی چون عالم مثال، خلقت نوری و درخت طوبی، در قالب عناصر تزئینی و هندسی معماری ظهور یافته‌اند. به‌طور کلی، شکل نشان می‌دهد که معماری مساجد شیعی، برخلاف نگرش صرفاً کارکردی، حاصل نظامی درهم‌تنیده از اعتقادات، رموز و معناهای درونی است. این نگرش موجب شده است تا فرم، رنگ، و تزئینات، همگی در خدمت بیان مفاهیم الهی و تبلور جهان‌بینی توحیدی تشیع قرار گیرند.

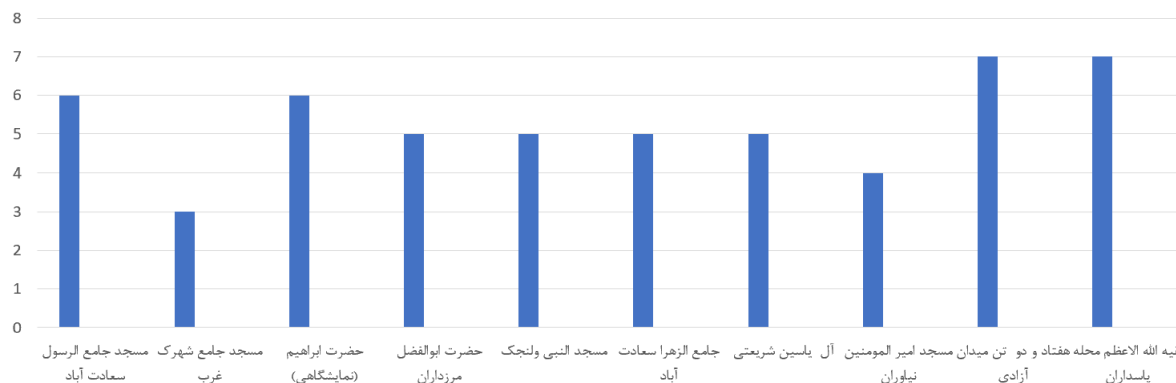
یافته‌ها

جداول زیر به بررسی مؤلفه‌های شکل شماره ۳ در جامعه نمونه می‌پردازد. در این راستا، هر یک از نمونه‌ها در دو بخش باورها و اصول دین و در زیرشاخه‌های کالبدی و تزئیناتی در جدول‌های جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این جدول‌ها ۱۰ مسجد شاخص صفوی و ۱۰ مسجد شاخص دوره پس از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در بررسی‌ها در صورت وجود مؤلفه مد نظر از علامت (✓) و در صورت عدم وجود مؤلفه علامت (-) ثبت شده است. نهایت امتیاز قابل کسب از مؤلفه‌های بخش باورها امتیاز ۸ و بخش اصول دین امتیاز ۱۲ می‌باشد که با تحلیل مجموع امتیازات داده شده در دو محور افقی و عمودی نتایج مشخص می‌گردد.

جدول ۲. میزان نمود باورهای شیعی در معماری مساجد پس از انقلاب اسلامی در شهر تهران

نام مسجد	درخت طوبی	خلقت نوری	عالم مثال	جمع		
				فرم گنبد	نقوش گیاهی در کاشی کاری گنبد	آیه قرآنی
			آب ساکن و بازتابنده (حوض)	نقوش گیاهی و اسلیمی	رنگ‌هایی که یاد آور آب و آسمان باشد (فیروزه و لاجوردی)	امتیاز از ۸
مسجد جامع الرسول سعادت آباد	✓	✓	✓	✓	✓	۶
مسجد جامع شهرک غرب	-	✓	-	-	✓	۳
مسجد حضرت ابراهیم (نمایشگاهی)	-	✓	✓	✓	✓	۶
مسجد حضرت ابوالفضل مرزداران	-	✓	✓	✓	✓	۵
مسجد النبی ولنجک	-	✓	✓	✓	✓	۵
مسجد جامع الزهرا سعادت آباد	-	✓	✓	✓	✓	۵
مسجد آل یاسین شریعتی	-	✓	✓	✓	✓	۵
مسجد امیر المومنین نیاوران	-	✓	-	✓	✓	۴
مسجد هفتاد و دو تن میدان آزادی	✓	✓	✓	✓	✓	۷
مسجد بقیه الله الاعظم محله پاسداران	✓	✓	✓	✓	✓	۷
جمع هر مؤلفه	۳	۱۰	۸	۲	۹	۱۰
جمع شاخص	۴	۱۸	۳۱			
درصد انطباق	۲۰٪	۶۰٪	۷۷٫۵٪			

میزان نمود باورهای شیعی در معماری مساجد بعد از انقلاب در شهر تهران

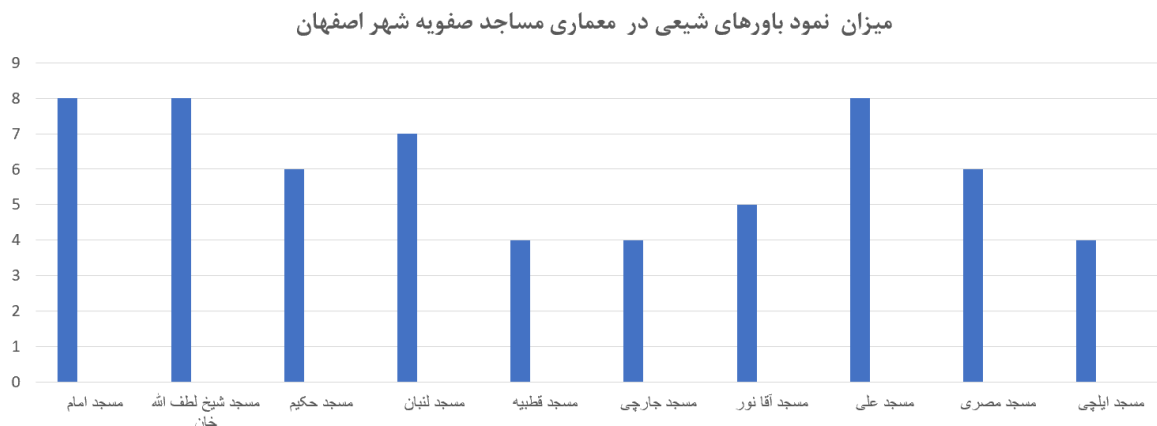


شکل ۴. میزان نمود باورهای شیعی در معماری مساجد پس از انقلاب در شهر تهران

تحلیل داده‌های جدول ۲ و شکل ۴ نشان می‌دهد که مساجد هفتاد و دو تن و بقیه الله الاعظم محله پاسداران با کسب امتیاز کامل ۷ از ۸، بالاترین سطح بازنمایی باورهای شیعی را در معماری خود به نمایش گذاشته‌اند، در حالی که مسجد جامع شهرک غرب با کسب امتیاز ۳ از ۸ و مسجد امیر المومنین نیاوران با کسب امتیاز ۴ از ۸ کمترین نمود این باورها را نشان می‌دهند. بررسی مولفه‌های اعتقادی مؤید آن است که باور به عالم مثال با سهم ۷۷٫۵٪ نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی عناصر فضایی و نمادین مساجد ایفا کرده است، پس از آن باور به خلقت نوری با سهم قابل توجه ۶۰٪، جایگاه دوم را در میان مولفه‌های تأثیر گذار دارد و درخت طوبی با سهم ۲۰٪ تأثیر کمتری بر معماری مساجد داشته‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد باور به عالم مثال، به طور چشمگیری در هدایت فرم، عناصر بصری و هویت معنایی مساجد مؤثر بوده‌اند و سایر باورها نقش محدودتری در ساختار معماری ایفا کرده‌اند.

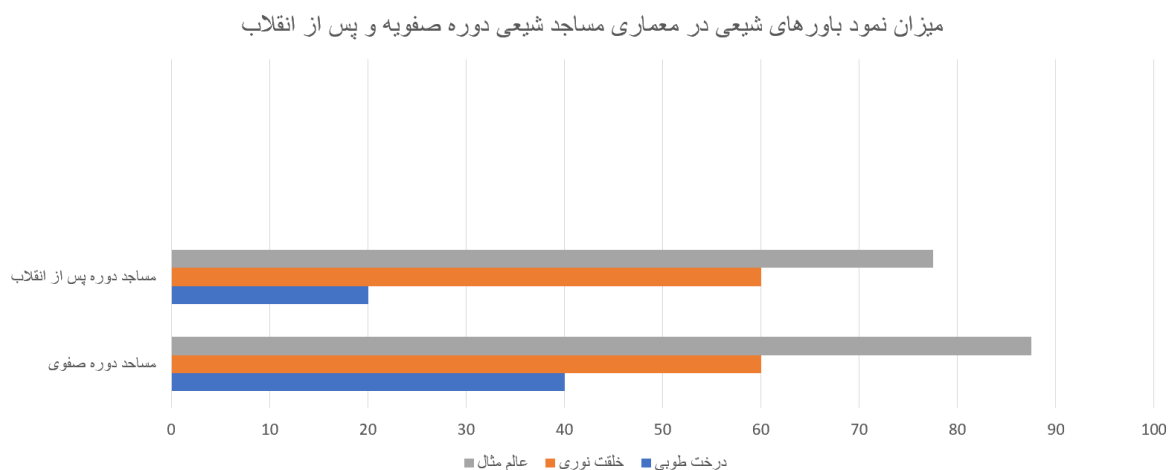
جدول ۳. میزان نمود باورهای شیعی در معماری مساجد صفویه شهر اصفهان

نام مسجد	درخت طوبی			خلقت نوری		عالم مثال		جمع امتیاز	
	فرم گنبد	نقوش	گیاهی	ترئینات	مقرنس	آب ساکن و نقوش	رنگ‌هایی که یاد آور آب و آسمان باشد (فیروزه و لاجوردی)	از ۸	آیه قرآنی
مسجد امام	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	۸	✓
مسجد شیخ لطف الله خان	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	۸	✓
مسجد حکیم	-	-	-	✓	✓	✓	✓	۶	✓
مسجد لبنان	✓	✓	✓	✓	✓	-	✓	۷	✓
مسجد قطیبه	-	-	-	✓	-	-	✓	۴	✓
مسجد جارچی	-	-	-	✓	✓	-	✓	۴	-
مسجد آقا نور	-	-	-	✓	✓	✓	✓	۵	✓
مسجد علی	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	۸	✓
مسجد مصری	-	-	-	✓	✓	✓	✓	۶	✓
مسجد ایلچی	-	-	-	-	✓	-	✓	۴	✓
جمع هر مولفه	۴	۴	۹	۹	۹	۶	۱۰	-	۱۰
جمع شاخص	۸	۱۸	۳۵	-	-	-	-	-	-
درصد انطباق	٪۴۰	٪۶۰	٪۸۷٫۵	-	-	-	-	-	-



شکل ۵: میزان نمود باورهای شیعی در معماری مساجد صفویه شهر اصفهان

تحلیل داده‌های جدول ۳ و شکل ۵ نشان می‌دهد که مساجد امام، شیخ لطف‌الله و مسجد علی با کسب امتیاز کامل ۸ از ۸، بالاترین سطح بازنمایی باورهای شیعی را در معماری خود به نمایش گذاشته‌اند، در حالی که مساجد قطیبه، جارچی و ایلچی با کسب امتیاز ۴ از ۸ کمترین نمود این باورها را نشان می‌دهند. بررسی مولفه‌های اعتقادی مؤید آن است که باور به عالم مثال با سهم ۸۷.۵٪ نقش برجسته و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی عناصر فضایی و نمادین مساجد ایفا کرده است، و باور به خلقت نوری با سهم ۶۰٪ در رتبه بعدی قرار دارد و درخت طوبی نیز با سهم ۴۰٪ تأثیر کمتری بر معماری مساجد داشته‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که برخی باورهای شیعی، به ویژه باور به عالم مثال، به طور چشمگیری در هدایت فرم، عناصر بصری و هویت معنایی مساجد مؤثر بوده‌اند، در حالی که سایر باورها نقش نسبتاً محدودتری در ساختار معماری ایفا کرده‌اند.



شکل ۶: میزان نمود باورهای شیعی در معماری مساجد شیعی دوره صفوی و پس از انقلاب اسلامی

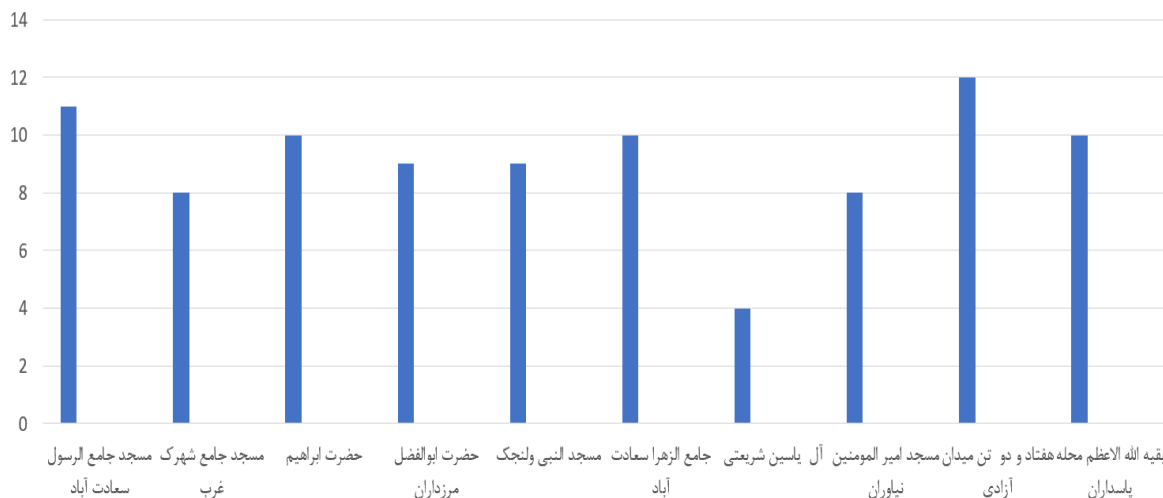
مطابق داده‌های شکل شماره ۶، باور به عالم مثال در معماری مساجد دوره صفوی نسبت به مساجد دوره پس از انقلاب، تجلی برجسته‌تری دارد. این امر نشان‌دهنده توجه ویژه معماران صفوی به بازنمایی مفاهیم غیبی و جهان ماورایی در کالبد مسجد است؛ به‌گونه‌ای که فضاهای داخلی، ایوان‌ها و تزیینات کاشی‌کاری،

حامل نمادهای عالم مثال و آموزه‌های شیعی بوده‌اند. در زمینه باور به خلقت نوری، این مؤلفه در هر دو دوره تقریباً به میزان مساوی مشاهده می‌شود، و نمود آن در قالب عناصر معماری همچون مقرنس‌ها، شمشه‌ها بوده است. همچنین، باور به درخت طوبی در مساجد صفوی تجلی بیشتری نسبت به مساجد دوره پس از انقلاب دارد. این نمود عمدتاً از طریق نقوش اسلیمی و گیاهی بر روی گنبد و کاشی‌کاری‌ها ظاهر شده است.

جدول ۴. میزان نمود مؤلفه‌های معماری اصول دین در مساجد پس از انقلاب اسلامی

نام مسجد	توحید	نبوت	معاد	عدالت	امامت	امتیاز از ۱۲
	کتیبه اسماء الهی	لا اله الا الله	دعوت کنندگی	وحدت بخشی با عناصر ۱۰ کتیبه	رویش و خزان درختان و گیاهان در حیاط	نظم و ریتم تقارن در نماهای اصلی تقارن در تزیینات کتیبه با نام ۱۴ معصوم
مسجد جامع الرسول سعادت آباد	✓	✓	✓	✓	✓	۱۱
مسجد جامع شهرک غرب	-	✓	✓	✓	-	۸
مسجد حضرت ابراهیم	✓	✓	✓	-	✓	۱۰
مسجد حضرت ابوالفضل مرزداران	✓	✓	✓	-	✓	۹
مسجد النبی ولنجک	✓	✓	-	✓	-	۹
مسجد جامع الزهرا سعادت آباد	✓	✓	✓	✓	-	۱۰
مسجد آل یاسین شریعتی	-	-	✓	-	✓	۴
مسجد امیر المومنین نیاوران	✓	✓	✓	✓	-	۸
مسجد هفتاد و دو تن میدان آزادی	✓	✓	✓	✓	✓	۱۲
مسجد بقیه الله الاعظم محله پاسداران	✓	✓	✓	✓	-	۱۰
جمع هر مولفه	۸	۹	۱۰	۸	۳	۹
جمع شاخص	۴۲	۱۰	۳	۲۷	۹	
درصد انطباق	۸۴٪	۵۰٪	۳۰٪	۹۰٪	۹۰٪	

میزان نمود مؤلفه های معماری اصول دین در مساجد بعد از انقلاب اسلامی

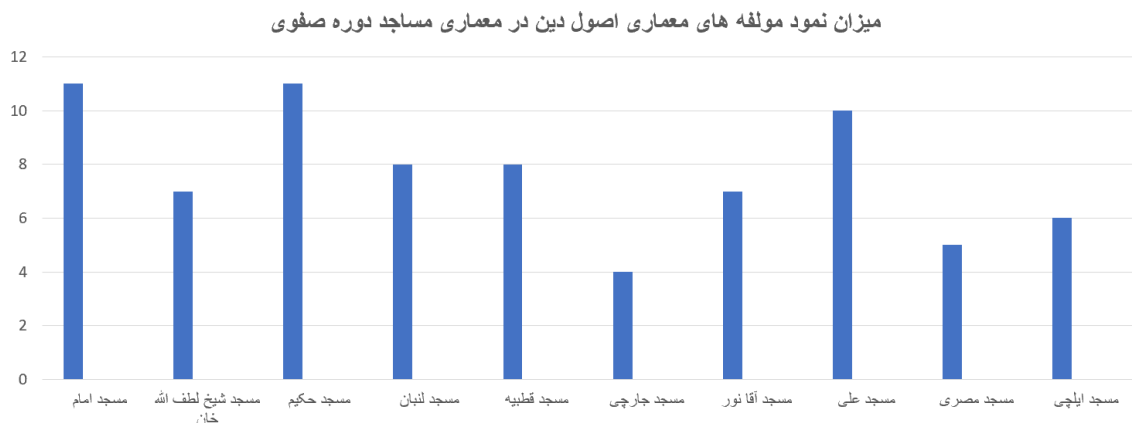


شکل ۷. میزان نمود مؤلفه های معماری اصول دین در مساجد پس از انقلاب اسلامی

بر اساس داده های جدول ۴ و شکل ۷، مسجد هفتاد و دو تن با کسب امتیاز کامل ۱۲ از ۱۲، بیشترین میزان نمود مؤلفه های معماری مرتبط با اصول دین را در میان مساجد پس از انقلاب اسلامی نشان می دهد. در مقابل، مسجد آل یاسین (شریعتی) با کسب امتیاز ۴ از ۱۲، کمترین میزان تجلی مؤلفه های معماری مبتنی بر اصول دین را داراست. تحلیل مؤلفه های اصول دین در این دوره نشان می دهد که دو اصل عدالت و امامت، هر یک با سهم ۹۰٪، بیشترین تأثیر را در ساختار معماری مساجد داشته اند. پس از آن، اصل توحید با سهم ۸۴٪ در مرتبه بعدی قرار دارد. در مقابل، اصل معاد با سهم ۳۰٪ کمترین نمود را در میان اصول دین در معماری مساجد پس از انقلاب اسلامی نشان می دهد. این یافته ها بیانگر آن است که در دوره پس از انقلاب اسلامی، تأکید معماران بر بازتاب اصول محوری تشیع، به ویژه عدالت و امامت، در طراحی مساجد به صورت معناداری افزایش یافته است، در حالی که تجلی اصل معاد کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

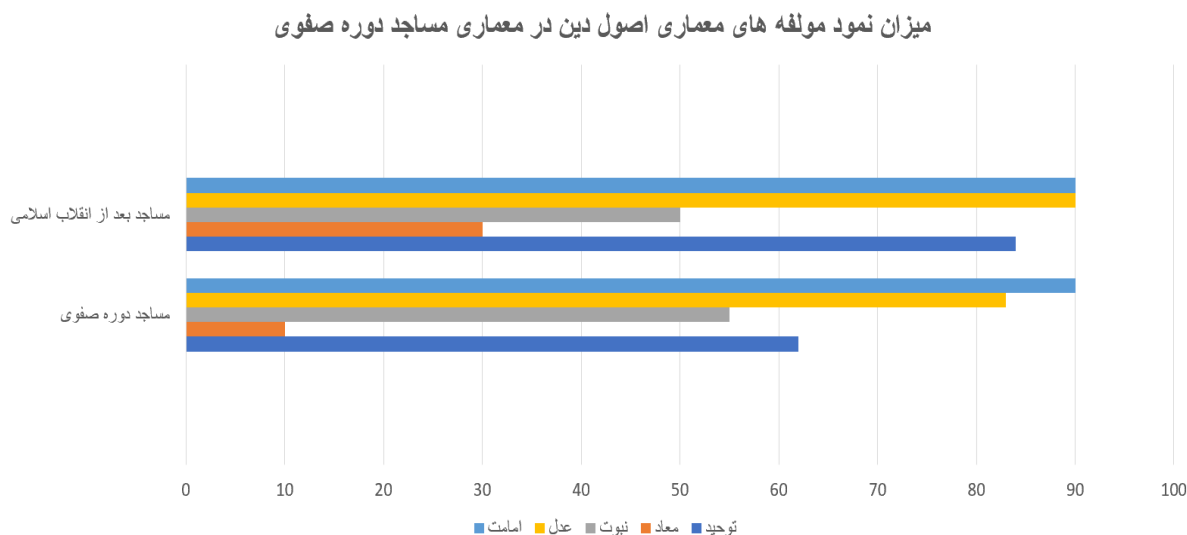
جدول ۵. میزان نمود مولفه‌های معماری اصول دین در مساجد دوره صفوی

نام مسجد	توحید	کنیه اسما الهی	دعوت کنندگی	وحدت بخشی با عناصر نمادین	کنیه	معاد	عدالت	امامت	امتیاز از
					رویش و خزان درختان و گیاهان ر حیاط				۱۲
					صلوات				
					محمد یا محمد رسول الله				
					گنبد				
					مناره				
					سردر				
					الله				
					لا اله الا الله				
مسجد امام	✓	✓	✓	✓	✓	-	✓	✓	۱۱
مسجد شیخ لطف الله خان	-	✓	-	✓	-	-	✓	✓	۷
مسجد حکیم	✓	✓	✓	✓	✓	-	✓	✓	۱۱
مسجد لبنان	✓	✓	✓	✓	-	✓	-	✓	۸
مسجد قطیبه	✓	✓	-	-	✓	-	✓	✓	۸
مسجد جارچی	-	-	-	-	-	-	✓	✓	۴
مسجد آقا نور	-	✓	-	-	✓	-	✓	✓	۷
مسجد علی	✓	✓	✓	✓	✓	-	✓	✓	۱۰
مسجد مصری	-	✓	-	-	-	-	✓	✓	۵
مسجد ایلچی	-	✓	-	-	✓	-	✓	✓	۶
جمع هر مولفه	۵	۹	۴	۵	۸	۳	۱	۹	۹
جمع شاخص	۳۱				۱۱	۱	۲۵	۹	
درصد انطباق	۶۲٪				۵۵٪	۱۰٪	۸۳٪	۹۰٪	



شکل ۸: میزان نمود مؤلفه های معماری اصول دین در معماری مساجد دوره صفوی

بر اساس داده های جدول ۵ و شکل ۸ مسجد امام و مسجد حکیم با کسب امتیاز ۱۱ از ۱۲، و مسجد علی با کسب امتیاز ۱۰ از ۱۲ بیشترین میزان نمود مؤلفه های معماری مرتبط با اصول دین را در میان مساجد صفوی نشان می دهد. در مقابل، مسجد جارچی با کسب امتیاز ۴ از ۱۲ و مسجد مصری ها با کسب امتیاز ۵ از ۱۲، کمترین میزان تجلی مؤلفه های معماری مبتنی بر اصول دین را داراست. تحلیل مؤلفه های اصول دین در این دوره نشان می دهد که دو اصل امامت با سهم ۹۰٪ و عدالت با سهم ۸۳٪ بیشترین تأثیر را در ساختار معماری مساجد داشته اند. پس از آن، اصل توحید با سهم ۶۲٪ در مرتبه بعدی قرار دارد. در مقابل، اصل معاد با سهم ۱۰٪ کمترین نمود را در میان اصول دین در معماری مساجد صفوی نشان می دهد.



شکل ۹: میزان نمود مؤلفه های معماری اصول دین در معماری مساجد دوره صفوی و پس از انقلاب اسلامی

بر اساس داده های شکل ۹، میزان تجلی مؤلفه های معماری برگرفته از اصول دین (توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد) در دو دوره صفویه و جمهوری اسلامی مورد مقایسه قرار گرفته است. نتایج نشان می دهد که اصل امامت در هر دو دوره، بیشترین میزان تأثیرگذاری را در شکل گیری مفاهیم و نمادهای معماری مساجد

داشته است. این امر با توجه به جایگاه محوری امام در اندیشه شیعی و تأکید حکومت‌های شیعی صفوی و جمهوری اسلامی بر ولایت و امامت، کاملاً قابل توجیه است. همچنین، اصل توحید و عدالت در معماری مساجد دوره جمهوری اسلامی نمود بیشتری نسبت به دوره صفوی دارد.

بر خلاف سایر مؤلفه‌ها، اصل نبوت در معماری مساجد دوره صفوی نمود بیشتری نسبت به دوره جمهوری اسلامی دارد. این برتری را می‌توان ناشی از رویکرد نمادین و تصویری معماری صفوی دانست؛ رویکردی که از طریق بهره‌گیری گسترده از آیات قرآنی مرتبط با پیامبر، کتیبه‌های صلوات بر پیامبر اکرم (ص)، و تکرار نام مبارک حضرت محمد (ص) در تزئینات کاشی‌کاری، گنبد‌ها و ایوان‌ها، به بازنمایی جایگاه والای نبوت در ساختار معنایی و بصری مسجد پرداخته است. در نهایت، اصل معاد در معماری مساجد دوره جمهوری اسلامی نسبت به دوره صفوی، تجلی پررنگ‌تری یافته است و معماران این دوره، با الهام از چرخه‌ی حیات در طبیعت از خزان تا رویش دوباره گیاهان و درختان تلاش کرده‌اند مفاهیم بازگشت و رستاخیز را در مسجد بازنمایی کنند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در میان مساجد دوره‌ی پس از انقلاب اسلامی، مسجد هفتاد و دو تن با کسب امتیاز کامل ۱۲ از ۱۲، بالاترین میزان تجلی مؤلفه‌های معماری برگرفته از اصول دین را داراست، و مسجد آل‌یاسین (شریعتی) با امتیاز ۲ از ۱۲، کمترین میزان تجلی مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد. تحلیل اصول دین در این دوره بیانگر آن است که دو اصل عدالت و امامت هر یک با سهم ۹۰٪ بیشترین تأثیر را در ساختار فضایی و مفهومی معماری مساجد داشته‌اند و پس از آن اصل توحید با ۸۳٪ در مرتبه بعدی قرار دارد؛ در مقابل، اصل معاد با ۳۰٪ کمترین نمود را داشته است.

در دوره‌ی صفویه نیز، مساجد امام، حکیم و علی با امتیازهای ۱۱ و ۱۰ از ۱۲، بیشترین بازنمایی اصول دین را در معماری خود ارائه داده‌اند، در حالی که مساجد جارچی و مصری‌ها کمترین میزان تجلی را نشان می‌دهند. در این دوره نیز، اصل امامت با سهم ۹۰٪ و اصل عدالت با ۸۳٪ بیشترین تأثیر را در سازمان فضایی و معنایی مساجد داشته‌اند، و اصل معاد با سهم ۱۰٪ کمترین نمود را داراست.

بنابراین نتایج تطبیقی نشان می‌دهد که در هر دو دوره، اصل امامت به‌عنوان بنیادین‌ترین مؤلفه‌ی معماری شیعی بیشترین نقش را ایفا کرده است، اما در دوره‌ی جمهوری اسلامی، تأکید بر عدالت و بازنمایی مستقیم اصول دین نسبت به دوره‌ی صفویه افزایش معناداری یافته است.

نتایج تحلیل داده‌ها در بخش باورهای شیعی نشان می‌دهد که در هر دو دوره‌ی صفویه و جمهوری اسلامی، باور به عالم مثال بیشترین نقش را در شکل‌دهی به عناصر فضایی و نمادین معماری مساجد ایفا کرده است. پس از آن، باور به خلقت نوری و درخت طوبی تأثیر محدودتری داشته‌اند. در میان نمونه‌های مورد بررسی، مساجد امام، شیخ لطف‌الله و مسجد علی در دوره‌ی صفویه و مساجد هفتاد و دو تن و بقیه‌الله‌الاعظم در دوره‌ی جمهوری اسلامی، بالاترین میزان بازنمایی باورهای شیعی را نشان داده‌اند؛ در حالی که مساجد قطبیه، جارچی، ایلچی، جامع شهرک غرب و امیرالمؤمنین کمترین میزان نمود این باورها را دارند. بنابراین یافته‌ها بیانگر آن است که باور به عالم مثال به‌عنوان مؤلفه‌ای محوری، بیشترین تأثیر را در هدایت فرم، هویت بصری و ساختار معنایی مساجد شیعی در هر دو دوره داشته است.

به طور کلی می توان نتیجه گرفت که معماری مساجد شیعی در هر دو دوره صفویه و جمهوری اسلامی، بازتابی از نگرش دینی زمانه خود بوده است. با این تفاوت که در دوره صفویه، تأکید اصلی بر تجلی باورها و در دوره جمهوری اسلامی، بر تبیین و بازنمایی اصول دین به ویژه توحید، عدالت و امامت متمرکز بوده است.

در پایان، باید یادآور شد که معماری مساجد شیعی واجد لایه های عمیق مفهومی و معنوی است که پژوهش حاضر تنها به بخشی از آن ها پرداخته است. بی تردید، بررسی های گسترده تر و میان رشته ای می تواند به کشف مبانی ریشه ای و اصول بنیادین این معماری معنوی منجر شود و زمینه بهره گیری آگاهانه از آن مفاهیم در طراحی معماری معاصر را فراهم سازد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

خلاصه مبسوط

Extended Abstract

Introduction

The evolution of Islamic architecture in Iran is deeply intertwined with the religious identity and worldview of Shi'ism, as mosques have historically served as both sacred spaces for worship and as symbolic representations of theological and political thought. The Safavid period, which established Shi'ism as the official religion of Iran, and the post-Islamic Revolution era, which reaffirmed Shi'a ideology within a modern sociopolitical context, both represent critical epochs for the materialization

of Shi'a principles through architecture. In both eras, the mosque transcended its liturgical function to become an emblem of the integration between faith, politics, and art (1-3).

During the Safavid dynasty, particularly in Isfahan, mosque architecture reflected the spiritual, educational, and propagative roles of religion, as rulers sought to consolidate political authority through the dissemination of Shi'a theology. This period, often associated with the School of Isfahan, saw a synthesis of mystical philosophy and political legitimacy, where artistic innovation served as a vehicle for the embodiment of metaphysical concepts (5, 6). The mosques thus became monumental expressions of divine order, symbolizing the unity between heaven and earth. Conversely, following the Islamic Revolution in 1979, mosque architecture in Tehran reflected the ideological revival of Islamic governance and a deliberate articulation of doctrinal Shi'a concepts such as *tawhīd* (divine unity), *'adl* (justice), *imāmah* (leadership), and *ma'ād* (resurrection) (7). The spatial and decorative vocabularies of mosques in this era not only reinforced devotion but also served as aesthetic manifestations of the post-revolutionary nation's religious identity.

The comparative selection of the Safavid and Islamic Republic periods in this study stems from their shared political and cultural foundation in Shi'a thought but differing artistic articulations of theology. While both integrate religious and political motifs into architecture, the Safavid approach was characterized by symbolic and allegorical representations, whereas the Islamic Republic adopted more direct and ideological expressions of faith. Accordingly, the research aims to elucidate how the fundamental principles of Shi'a faith and the metaphysical beliefs of this school have been spatially and visually embodied in the mosques of these two historical contexts (4). The study seeks to reveal whether the Shi'a worldview—encompassing divine unity, prophecy, justice, leadership, and eschatological belief—has evolved in its architectural expression from a metaphoric aesthetic under the Safavids to an explicit ideological narrative after the Revolution.

Scholars have previously addressed the reflection of Shi'a doctrines in Islamic art and architecture. Rostami et al. (2019) identified the presence of theological notions such as justice and purity in Timurid and Safavid mosques through the use of sacred numerology, color symbolism, and Qur'anic inscriptions (8). Other studies have examined specific principles of faith: Akbarzadeh et al. (2021) analyzed the architectural symbolism of *tawhīd* in Iranian mosques through the interplay of light and geometric unity (9), while Najafi-Nejad (2017) and Alipour (2016) discussed how *imāmah* and *wilāyah* found political and decorative expression during the Safavid state (10, 11). Similarly, the esoteric beliefs of Shi'ism—*'ālam al-mithāl* (imaginal world), *khalq nūrī* (luminous creation), and the *Ṭūbā tree*—have been associated with Safavid ornamentation and metaphysical cosmology (13-15, 17). Building on these foundations, the current study compares the materialization of these principles and beliefs in Safavid Isfahan and post-revolutionary Tehran to delineate shifts in the theological and aesthetic priorities of Shi'a architectural thought.

Methods and Materials

This research adopted a qualitative, descriptive-analytical design implemented in two stages. In the first stage, historical and documentary data were collected through an extensive literature review of classical Islamic sources, philosophical treatises, and architectural studies to identify the theoretical and metaphysical principles of Shi'ism influencing sacred architecture. Core categories—principles of faith (*tawhīd*, *nubuwwah*, *ma'ād*, *'adl*, *imāmah*) and doctrinal beliefs (*'ālam al-mithāl*, *khalq nūrī*, *Ṭūbā*)—were extracted and operationalized into observable architectural indicators such as spatial symmetry, inscriptions, light symbolism, geometric unity, and iconography.

In the second stage, empirical analysis was conducted through comparative fieldwork. Ten representative Safavid mosques in Isfahan and ten post-revolutionary mosques in Tehran were selected via purposive sampling based on expert consultation. Data collection included field observations, photographic documentation, and semi-structured interviews with architects and

religious scholars. Each mosque was analyzed against predefined indicators for both categories—principles of faith and Shi'a beliefs—within two domains: physical form (spatial composition, structure, geometry) and decorative elements (inscriptions, tilework, calligraphy, ornamentation). The collected data were then coded and analyzed comparatively to assess the degree of manifestation for each theological principle.

Findings

Quantitative comparison of the coded indicators revealed distinct patterns between the two historical contexts. Among Tehran's post-revolutionary mosques, Shahid Haftad-o-Dotan and Baqiyatollah al-Azam exhibited the highest manifestation of Shi'a beliefs, achieving 7 out of 8 possible points, whereas Amir al-Mu'minin Mosque and Shahrak-e Gharb Mosque showed the lowest with 4 and 3 points, respectively. The aggregate analysis indicated that belief in the *'ālam al-mithāl* achieved the highest degree of representation (77.5%), followed by *khalq nūrī* (60%), while the *Ṭūbā tree* motif appeared least frequently (20%). This suggests that the metaphysical notion of an imaginal intermediary world continues to play a decisive role in structuring symbolic spatial hierarchies and chromatic design in contemporary mosque architecture.

In Safavid Isfahan, Imam Mosque, Sheikh Lotfollah Mosque, and Ali Mosque demonstrated perfect scores (8/8), reflecting the extensive incorporation of esoteric symbolism. The average manifestation rates were 87.5% for *'ālam al-mithāl*, 60% for *khalq nūrī*, and 40% for the *Ṭūbā tree*. This confirms that Safavid architecture prioritized metaphysical representation—particularly the imaginal and luminous worlds—through techniques such as mirror symmetry, polychrome tiles, and recursive ornamentation. Comparative graphical analysis revealed that while both periods exhibit similar attention to *khalq nūrī*, the Safavid era more vividly portrayed *'ālam al-mithāl* and *Ṭūbā*, highlighting its greater emphasis on mystical cosmology.

Regarding the principles of faith, post-revolutionary mosques displayed their strongest alignment with *'adl* and *imāmah* (each 90%), followed by *tawhīd* (84%), *nubuwwah* (50%), and *ma'ād* (30%). The dominance of *'adl* and *imāmah* indicates a theological shift toward justice and leadership as guiding themes for architectural form and symbolism in the Islamic Republic. In contrast, in Safavid mosques, *imāmah* again registered the highest presence (90%), followed by *'adl* (83%) and *tawhīd* (62%), while *nubuwwah* (55%) and *ma'ād* (10%) were less represented. The stronger expression of *nubuwwah* in Safavid structures—particularly through inscriptions invoking the Prophet and salawāt—underscores the era's focus on prophetic legitimacy within its artistic vocabulary.

Statistical synthesis revealed that the overall emphasis of Safavid architecture leaned toward the representation of doctrinal beliefs, especially metaphysical and esoteric dimensions, whereas the architecture of the Islamic Republic prioritized explicit articulation of the foundational principles of faith. Symbolic continuity between the two eras was evident, yet their visual languages diverged: the Safavid mosques favored allegorical and ornamental abstraction, while post-revolutionary architecture employed clearer, ideologically charged forms, larger inscriptions, and monumentality to convey religious messages.

Discussion and Conclusion

The comparative findings demonstrate that both historical periods express the spiritual and doctrinal essence of Shi'a Islam through distinct architectural vocabularies. The Safavid period, influenced by the metaphysical doctrines of the Isfahan School, embedded theology within artistic symbolism, geometry, and chromatic harmony. Concepts such as divine unity (*tawhīd*) and the imaginal world (*'ālam al-mithāl*) were articulated through spatial symmetry, reflection pools, and tilework suggestive of celestial order. Conversely, post-revolutionary architecture, shaped by the ideological imperatives of an Islamic state, utilized architectural scale, clarity of inscriptions, and direct representation of Qur'anic principles to communicate faith to a broader public.

Justice ('*adl*) and leadership (*imāmah*), core to the political theology of the Islamic Republic, dominate its mosque design, reflecting both social equity and hierarchical order. The architectural emphasis on vertical lines, balanced proportions, and symmetrical layouts embodies divine justice, while the integration of calligraphy invoking the Imams asserts continuity of sacred authority. Meanwhile, *ma'ād*—the belief in resurrection—found more tangible representation after the Revolution through the use of natural motifs symbolizing renewal, such as gardens and courtyards, transforming the mosque courtyard into an allegory of paradise.

The Safavid focus on *nubuwwah* and metaphysical belief systems reveals a more inward, contemplative religiosity, aligned with the mystical-philosophical synthesis of that time. Its mosques reflect not only religious devotion but also metaphysical imagination, wherein artistic complexity and layered ornamentation invite reflection on divine mysteries. In contrast, the architecture of the Islamic Republic seeks social activation and ideological presence—its mosques are civic monuments of faith, instruments of collective identity, and manifestations of a living theology integrated with governance and education.

In conclusion, Shi'a mosque architecture, across both the Safavid and post-revolutionary eras, illustrates a continuum in which theology is materialized through built form. Yet the locus of emphasis has shifted: Safavid architecture visualized belief through metaphysical symbolism and esoteric ornamentation, while post-revolutionary architecture foregrounded doctrinal principles and ideological clarity. Thus, the Safavid mosque can be seen as an aesthetic embodiment of belief, whereas the mosque of the Islamic Republic emerges as an ideological proclamation of faith. Together, they demonstrate how architecture, as an art of synthesis, has served to spatialize the Shi'a worldview—merging theology, politics, and aesthetics into enduring expressions of sacred identity.

References

1. Motavalli A, Hassan Beigi M, Hossein Abadi Farahani S. The Role of Shiite Beliefs in Safavid Era Architecture. *Quarterly Journal of Shiite History Research*. 2017;1(2):77-92.
2. Dabbagh AM, Rahbar S. The Crystallization of Shiite Concepts in the Formation of Mosques during the Safavid and Qajar Eras; A Comparative Study: Shahid Motahari Mosque in Tehran and Imam Khomeini Mosque in Isfahan. *Shi'a Studies Quarterly*. 2015;13(52):167-90.
3. Kowsari M. Shiite Art in Iran. *Quarterly Journal of Sociology and Literature*. 2011;3(1):7-36.
4. Etminan L, Hosseini SB, Panahi S. A Comparative Study of Illuminationist Philosophy in the Architecture of Safavid and Contemporary Mosques. *Journal of Islamic Art Studies*. 2020;12(39):27-56.
5. Anvari F, Bushasb Gousheh F, Kamranifar A. The Impact of Qur'anic Thought and Shiite Themes on the Architecture of Safavid-era Religious Sites in Isfahan (Case Study: Jameh Atiq Mosque, Sheikh Lotfollah Mosque, and Hakim Mosque). *Journal of Islamic Art Studies*. 2022;19(47):711-32.
6. Shariat Z. Inscriptional Decorations of the Holy Shrine of Qom. *Scientific-Research Quarterly of Islamic Art*. 2007(7):89-110.
7. Parsa L. A Study of Mosque Architecture in the Islamic Republic of Iran. *Monthly Wave of the Age*. 2022(47):23-42.
8. Rostami M, Rostami S, Yaseri N. A Study of the Crystallization and Flourishing of Shiite Art Themes and Principles in the Architecture of the Timurid and Safavid Eras (Case Studies: Goharshad Mosque and Sheikh Lotfollah Mosque). *Journal of Architecture*. 2019;2(12):216-30.
9. Akbarzadeh Z, Arefeh, Mohammadi M, Gholipour G. Utilizing Sensory Richness in Associating the Concept of Tawhid in Iranian Mosques. *Biannual Journal of Architectural Thought*. 2021;5(10):55-72.
10. Najafi Nejad S, Jadidi N, Yusef Jamali MK. The Emergence and Manifestation of Shiite Beliefs in the Religious Policy of Shah Tahmasb I Safavi. *Shi'a Studies*. 2017;4(13):121-45.
11. Alipour M, Pourmand HA. Explaining the Concepts of Imamate and Wilayah in Religious Inscriptions of Different Periods "Case Study of the Timurid and Safavid Periods". *Imamat Research*. 2016;6(20):187-240.
12. Tabasi M, Mousavi S. The Continuity of the Concepts of Justice and Imamate in the Decorative Motifs of Timurid and Safavid Architecture; With an Emphasis on the Motifs of Goharshad Mosque in Mashhad and Imam Mosque in Isfahan. *Greater Khorasan Journal*. 2016;7(25):73-88.
13. Parvizi E, Pourmand HA. The Manifestation of the Imaginal World in the Architectural Decorations of the Safavid Era (Case Study: Imam Mosque of Isfahan). *Journal of Architecture and Urban Planning, Armanshahr*. 2012;5(9):31-44.
14. Toran E. Analysis of the Document and Content of Two Hadiths from Imam Reza regarding Noori Creation. *Journal of Razavi Culture*. 2017;5(20):7-30.

15. Safaei Pour H, Memarian GH, Bamanian MR. Investigating the Influence of the Concept of the Tuba Tree on the Formation of Prominent Safavid Domes. *Quarterly Journal of Research in Islamic Architecture*. 2014;2(4):16-31.
16. Safaei Pour H, Memarian GH, Bamanian MR. Investigating the Semantic Roots of the Tuba Tree in Shiite Sources. *Scientific-Research Quarterly of Shi'a Studies*. 2016;14(53):171-90.
17. Stierlin H. *Isfahan: Image of Paradise* by Henry Corbin. Arjmand J, editor. Tehran: Farzān Publications; 1998.
18. Mohammadi Rey Shahri M. *Encyclopedia of Islamic Beliefs*. Qom: Dar al-Hadith Scientific-Cultural Institute, Printing and Publishing Organization; 2006.
19. Ibn Taymiyyah AbA. *Ziyarat al-Qubur wal-Istinjad bil-Maqbur*. Tanta, Egypt: Dar al-Sahaba lil-Turath; 1992.
20. Akhavan Moghadam Z, Nabavi SM, Moradi Sahar R. *A Source Study of the Afterlife*. Tehran: Iran Daneshvaran Publications; 2016.
21. Parcham A. A Dialogue of Three Divine Religions on the Meaning of Prophethood. *Quarterly Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan*. 1999(16):109-30.
22. Motahhari M. *An Introduction to Islamic Sciences, Complete Course*. Tehran: Islamic Publications Office; 1983.
23. Elmi MK. The Centrality of the Principle of Justice in the Theology of Imami Shi'ism. *Islamic Philosophy and Theology Quarterly, Mirror of Knowledge, Shahid Beheshti University*. 2008;8(2):123-52.
24. Resalati S, Reza Nejad E. Examination and Critique of the Assumption of Conflict between Prophetic Narratives and Texts on Imamate: Responding to the Doubts of Faysal Noor. *Shi'a Studies Quarterly*. 2015;1(4):39-62.
25. Al-Sheikh Al-Mufid MbMba-Nmla-Ma. *Awa'il al-Maqalat*. Qom: Al-Mu'tamar al-Alami li Alfayat al-Sheikh al-Mufid; 1993.
26. Allamah Al-Hilli HbY. *Nahj al-Haq wa Kashf al-Sidq*. Beirut: Dar al-Kitab; 1985.
27. Ahmadi SH, Hosseini Khameneh SMR. The Place of the Imaginal World in Suhrawardi's Philosophy. *Sadra's Wisdom Journal*. 2009(56):69-85.
28. Khazzaz Razi AbM. *Kifayat al-Athar fi al-Nass ala al-A'imma al-Ithna Ashar*. Qom: Bidar Publications; 1981.
29. Al-Tabari Al-Amili Al-Saghir MbJbR. *Dala'il al-Imamah*. Qom: Al-Ba'thah Institute; 1993.
30. Nasr SH. *Three Muslim Sages: Avicenna, Suhrawardi, Ibn Arabi*. Rahmati A, editor. Tehran: Hekmat Publications; 2008.
31. Al-Saduq MbAbB. *Ilal al-Shara'i*. Qom: Davari Publications; 2006.
32. Al-Majlisi MBbMT. *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi; 1983.
33. Al-Kulayni MbYq. *Al-Kafi*. Tehran: Islamiyah; 1983.
34. Tabatabai SMH. *Tafsir al-Mizan*. Musavi Hamedani SMB, editor. Qom: Allameh Tabatabai Scientific and Intellectual Foundation; 1991.
35. Burckhardt T. *Islamic Art: Language and Meaning*. Nasr SH, editor. Tehran: Soroush Publications; 2000.
36. Shajari M, Silvayeh S. Explaining the Relationship between the Mosque Dome and the Levels of Existence in Transcendent Wisdom. *Contemporary Wisdom*. 2019;10(2):181-97.
37. Akbari A, Zamani M, Esmaili NR. The Manifestation of Shiite Perspectives in the Architecture and Decorations of the Porticoes of the Razavi Shrine during the Safavid Era (Focusing on the Hatam Khani Portico). *Scientific Quarterly of Razavi Culture*. 2022;10(4):65-105.
38. Shayesteh Far M. The Place of the Qur'an, Hadith, and Supplications in Islamic Inscriptions. *Modares Quarterly Journal, Tarbiat Modares University*. 2002:57-94.
39. Shayesteh Far M. *Shiite Art*. Tehran: Institute of Islamic Art Studies; 2004.
40. Madadpour M. *Manifestations of Spiritual Wisdom in Islamic Art*. Tehran: Amir Kabir Publications; 1995.
41. Madadpour M. *Spiritual Wisdom and the Realm of Art*. Tehran: Ministry of Education Publications Company, Monadi Tarbiat Cultural Institute; 2001.
42. Tahouri N. The Station of Paradise in Iranian Traditional Arts. *Khayal Quarterly*. 2005(16):4-17.
43. Hosseini SH. The Decorative and Conceptual Use of the Shamseh Motif in the Sheikh Safi al-Din Ardabili Complex. *Biannual Journal of Islamic Art Studies*. 2011(14):7-24.
44. Balkhari Qahi H. *The Mystical Foundations of Islamic Art and Architecture, Vol. 2: The Elixir of Imagination*. Tehran: Sooreh Mehr Publications; 2005.